

مهاجرت مغزها

(قسمت دوم)



ترجمه و تلخیص: دکتر خلیل هرانی

میتوان مثال دیگری از هند آورد که توسط ام . داندکار ، مدیر انستیتوی سیاسی و اقتصادی گوخال در پونا گزارش داده شده است . مهندس جوان مورد نظر که متخصص در علم ساختمان است ، پس از پایان تحصیلات درخشان در یک موسسه فنی مشهور در آلمان به هند مراجعت میکند . در طی یکسال پس از مراجعت ، او توانست تعدادی از طرحها را پیاده کند . ولی در مورد آخرین طرح با امتناع مقام مربوطه روبرو شد . پس از آنکه توضیحاتی در این مورد از مهندس مسئول وزارتخانه خواست ، جواب داده شد که احتمالاً کار او قابل ارزش است ولی چون در طرح پیشنهادی اصول اساسی را در نظر نگرفته است ، لذا نمیتواند آنرا تأیید کند . مهندس جوان چون زیاد تحت تأثیر این حادثه بود ، از آن به بعد کشورش را ترک گفت . (۱۵)

حقیقتی است که « سازمانهای پذیرش » تنها مسئول این وضع نیستند ، بسیاری از دانشجویان جهان سوم ، در خارج و یا در کشور متبوعه خود ، رشته‌هایی را انتخاب میکنند که هیچگونه رابطه‌ای با فعالیت‌هایی که باید در کشورشان انجام دهند ،

میتکند که شخصیت فردال وابسته به آن است ، حال ارزش شخصی او هر چه میخواهد باشد ، انتظار دارد افراد کوچکتر به او احترام بگذارند و بلو کرنش کنند . نتیجه این وضع و بویژه امتناع این از خوش خدمتی نسبت به « قدما » این بود که در پایان دوره آزمایشی دو ساله پیشان من تجدید نشد . میتوانستم شغل منشی گری را با حقوق مکتبی داشته باشم ولی بزودی متوجه شدم که در شغل جدید مانند پیاده نظامی خواهم بود که برای تشریفات و راهنمایی مستقر کرده‌اند و یا صورت ظاهری است که به من هیچ فرصتی نخواهد داد تا پژوهش واقعی را انجام دهم و نخواهم توانست نظریاتم را بطور صریح و صادقانه بیان کنم . این عوامل مرا وادار کرد که شغلی را در خارج جستجو کنم .

درست است که پروفیسور سوری متخصص در تاریخ اجتماعی آلمان است و همچنین دانشن عقاید و نظرات دیگران و داشتن روابط در علوم اجتماعی اهمیت زیاد دارد . معذالک ، غالباً وضع در علوم دقیقه و تکنولوژی یکسان است . بدین مناسبت ،

در بعضی از کشورها نوع سازمانهای آموزشی به عدم علاقه و شوق کارمندان متخصص محلی کمک میکند . غالب اوقات مراکز تحقیق و حتی ادارات و موسسات صنعتی تابع نظام عشن و پاترنالیست سلسله مراتب اداری هستند که در آن « قدما » جا و مسئولیت کمتری برای جوانان باقی میگذارند . پروفیسور سوربند آرسوری در اینمورد اظهارات بسیار روشن و آموزنده‌ای را از تجربه شخصی خود در هند بیان میکند . اظهارات او بویژه در این زمینه پر معنی است . پروفیسور مزبور میگوید : « در مراجعت به کشور به بعضی از مسائل مربوط به ساخت جامعه ، بخصوص ساخت طبقات اجتماعی و گروههای خانوادگی که سابقاً آشنا نبودم ، آگاهی یافتیم متوجه شدم که ساخت طبقات ، مبانی طبقات اجتماعی » که برای ما اهمیت بود ، برای موفق شدن در هند ، حد اقل در ابتدا ، دارای اهمیت عظیمی است ... ولی این موضوع عامل اساسی نبود . سنت پدر شاهی هنوز در هند حفظ شده و بی نهایت قدرتمند است . این بدان معنی است که مثلاً فردی که موقعیتی را اشغال

ندارند. این جهت گیری موقعی که نتیجه تصمیم فردی است باعث تأسف است ولی زمانی که بدنبال عدم تطابق موسسات دانشگاهی ملی در برابر احتیاجات ملی واقعی و مشاغل عرضه شده این جهت گیری مضر شکل دسته جمعی بخود میگردد خطرناک است. در آن صورت دارندگان دیپلمهای غیر قابل مصرف باید بین بیکاری و مهاجرت یکی را انتخاب کنند.

بیکاری روشنفکری در جهان سوم

در گزارشی کادر اولین کنفرانس بین المللی کارشناسان غیردولتی مربوط «نشست ماده خاکستری» داده شد و در لوزان از ۲۴ تا ۲۶ اوت ۱۹۶۷ میلادی تشکیل گردید. آدم و دیرلم از شک و تردید خود درباره امکانات کشور های جهان سوم در جذب کلیه جوانان دیپلمه فارغ التحصیل دانشگاهها، کنفرانس را مطلع کردند. بعقیده این دو «اکثر کشورهای عقب نگهداشته شده، شاید بخاطر غرور ملی - یا ناخودآگاه - سعی و کوشش میکنند تا تعداد زیادی افراد صلاحیتدار و متخصص تربیت کنند، حال آنکه تقاضای موجود یا قابل پیش بینی آنها توجیه نمیکند» این دو اضافه میکنند که کشورهای مذکور برای اجرای سیاستهای تکنولوژیک و صنعتی که باید در امر تسهیل جذب انبوه ذخیره روشنفکران بدون شغل کوشا باشند، هیچ کاری انجام نمیدهند.

این توجیه بهیچ وجه درباره کشور های آفریقائی جنوب صحرا که بتازگی باستقلال نائل آمده اند قابل انطباق نیست. تعداد موسسات آموزش عالی در این کشورها ناچیز است چه مدت کمی از تاسیس آنها میگذرد. بنظر میرسد که توجیه فوق بیشتر متکی به وضع ممالکی باشد که علیرغم نارسائی توسعه شان، سالها قبل در جنوب شرقی آسیا، آمریکای لاتین و خاور میانه دارای سنت دانشگاهی غالباً بسیار قدیمی هستند. در این کشورها بدست آوردن دیپلم دانشگاهی تنها مظهر ارتقاء اجتماعی نیست. این دیپلم بنظر بورژوازی که تعدادش در رابطه با امکانات اقتصادی واقعی خیلی زیادتر است، بعنوان ضامن موفقیت اجتماعی میباشد که در اثر ناپایداری شرایط زندگی مورد تهدید واقع شده است. از طرفی موسسات دانشگاهی در این ممالک سعی میورزند بدون کم و کاست از موسسات دانشگاهی غرب تقلید کنند. تا جایی که رشته های تخصصی را که خیلی بندرت مورد احتیاج است توسعه داده و نوعی آموزش راگسترش میدهند که هیچگونه رابطه ای با موفقیت و شرایط محلی آنها ندارند.

بطور کلی، اکثر دانشجویان در چند رشته بخصوص تمرکز یافته اند. در حالی که بقیه علیرغم امکانات شغلی که این رشته عرضه میکنند، دلسرد و خسته شده اند. در آمریکای لاتین دانشجویان به دانشکده های حقوق و پزشکی هجوم میآورند و به دانشکده های علوم و مدارس مهندسی که معذالک مشاغل بیشتری را عرضه میکنند، نمیروند این جهت - بایی ناقص و غیر عادی لاجرم به بیکاری کامل

یا پنهانی پزشکان جوان و حقوقدانان منتهی میشود. بدینسان آرژانتین يك پزشك برای ۶۰۰ نفر در سراسر کشور دارد، حال آنکه در بونوس - آیرس يك پزشك برای ۳۰۰ نفر وجود دارد. این تعداد برای اینکه کلیه پزشکان آرژانتین بیکار نمانند و حقوق کافی دریافت کنند خیلی زیاد است. در مورد دانشجویان فیلیپین وضع بهمین منوال است چون فقط نیمی از پزشکان میتوانند بشغل طبابت بپردازند. بالنتیجه از ۱۲۰۰ پزشکی که هر سال از دانشگاهها فارغ التحصیل میشوند ۶۵۰ نفرشان مهاجرت میکنند ویا اینکه بان شغل ادامه نمیدهند.

بعکس در سایر مناطق، بویژه در جنوب شرقی آسیا، از افزایش دانشمندان و تکنیسین ها با مشکل بزرگی روبرو هستند. مثلاً هندوستان هر ساله ۴۰۰۰۰۰ مهندس و تکنیسین صنعتی تربیت میکند در صورتیکه تعداد بیکارانی که در این گروه حرفه ای وجود دارد فعلاً به ۷۵۰۰۰۰ نفر میرسد. (۱۶)

بالاخره در کشورهایی مثل لبنان و مصر افزایش متخصصین برجسته تقریباً در تمام رشته ها، آموزشی چشم میخورد. خواه در رشته های علمی یا فنی، خواه در رشته های ادبی.

درست است که کشورهای آفریقائی تازه باستقلال رسیده در چنین موقعیتی قرار ندارند ولی اکثر آنها از کمبود شدید پزشک، معلم کادر های اداری و فنی در مضطر هستند.

کنگو گینشاسا (زائیر) هنگام استقلال بیش از ۲۰ نفر دیپلمه آموزشی عالی که از بومیان بودند، بدست در گینه ۵۰ در صد از کادرهای اداری بیاوردند و فقط ۳۰ در صد از آنها تعلیم و تربیت عالی و تکنیکی دیده اند (۱۷)

مثالهایی بویژه در مورد اکثر کشورهای آفریقائی جنوب صحرا میتوان آورد، باستانی کشور های توگو و سنگال ویا بعضی از ممالک انگلیسی زبان منطقه.

گرچه کمبود کادر آفریقائی شمالی کمتر محسوس است، لکن کشورهای این منطقه فاقد کارمندان واجد صلاحیت و متخصص در زمینه های مختلف میباشد. لیبی در موقعی که مستقل شد

(۱۹۶۴ م - ۱۹۳۵ ه) فقط ۱۲ نفر دیپلمه آموزش عالی در اختیار داشت. از طرف دیگر کشور های مغرب بعات نداشتن کادر های بومی به خدمات دهها هزار معلم پزشک و تکنیسین خارجی احتیاج دارند. معذالک در این وضع هم عدم تعادلی وجود دارد که در اثر جهت بایی غلط دروس و عدم شناخت بازار های محلی توسعه پیدا میکند در بعضی از کشورها محل توگو و داهومی، قدرت استعماری سابق مسئول چنین اوضاعی است. در حقیقت فرانسه مدت زمانی طولانی از دو کشور فوق بعنوان منبع کادرهای متوسط و جزء برای دوسالمان

A.O.F., A.E.F. استفاده میکرد (۱۸). در ساحل عاج يك سوم از کارمندانی که در ۱۹۵۴ م (۱۳۳۳ ه) از طریق اداری استخدام شده بودند

تبعه این کشور نبودند. غالب آنها از توگو و داهومی آمده بودند. پس از کسب استقلال این کادرها مجبور بمراجعت بکشور خود شدند بطوریکه تعداد زیادی از تحصیلکرده ها بیکار ماندند (۱۹). باوجود این نباید در اهمیت اثرات مستقیم نظام استعماری غلو کرد. امروزه جهت بایی غلط دانشجویان و نبودن مشاغل کافی برای تحصیلکرده ها که خود ناشی از امر اول است، بیشتر نتیجه جذبه غلو آمیز کشورهای صنعتی است تا اثری که کادر دولتی و دروس و مطالعات ادبی و حقوقی بروی روشنفکران آفریقائی میگذارد.***

رئیس جمهور مالگاش ضمن يك سخنرانی اظهار داشت: « بدبختی ما اینست همینکه يك حطفل وارد مدرسه میشود فکر میکند دیگر کارمند است و والدینش هم مثل او فکر میکنند» تحقیقی که در ۱۹۶۱ م (۱۳۴۰ ه) در میان دانشجویان آفریقائی دانشگاههای فرانسه بعمل آمده است گترش این گرایش را ثابت میکند از ۲۹۴ دانشجوی مصاحبه شده، ۲۱۲ در صد قصد دارند پس از مراجعت به کشور متبوعه خود کارمند دولت بشوند. ۱۹۳ در صد مایل اند شغل آزادی را انتخاب کنند. فقط ۸۶ در صد میخواهند در بخش خصوصی داخل شوند. حال آنکه بخش خصوصی مهمترین سهم را در فعالیتهای تولیدی دارد (۲۰)

بعلاوه باید گرایش دیگری را که در نزد دانشجویان آفریقائی و کلیه دانشجویان جهان سوم وجود دارد خاطر نشان کنیم. این دانشجویان زمان تحصیلی را طولانی میکنند تا به درجات دانشگاهی بسیار بالاتری راه یابند. بنابراین با تخصص «فعلی» که از این طریق کسب میکنند علیرغم یادآوری و تذکر صریح دول متبوعه، بندرت میتوانند در کشور خود مورد استفاده قرار گیرند چون شغل مناسبی برای آنها پیدا نمیشود.

بعضی از دانشجویان آفریقائی، مثل رفقای آسیایی و آمریکای لاتین خود، در مراجعت بکشور با مشکلات جدی در زمینه شغل دست بگریبان میشوند. حتی بعضی از آنها موفق نمیشوند به خانه و کاشانه خود برگردند و در همان کشور غربی که فارغ التحصیل شده اند محصور میگردند، چون سفارتخانه های مربوط هزینه مراجعت این متخصصین را تامین نمیکند و این کار را بیهوده میدانند زیرا رشته تخصصی فارغ التحصیلان مذکور پاسخگوی احتیاجات مملکت نیست. بالاخره عده زیادی از شغل پیشنهاد شده راضی و قانع نیستند. این نارضائی شاید بیشتر متکی بر عدم سازش تدریجی در محیط اصلی و امکانات مادی باشد تا انگیزه های صد در صد حرفه ای.

فرار از محیط اصلی

ژان قویله ضمن سخن از ماداگاسکار اشاره به «تحقیری» میکند که طبقات حاکمه محلی غالب

*** برای توضیح در این مورد به پیش گفتار مراجعه فرمائید.

اوقات نسبت به گوش های توده‌ای و دهقانی احساس میکنند ، بخصوص نسبت به ساکنین مناطق کم‌نشین . فوئله مینوبد «از یک معلم مالگاش که برای تعلیم به جنوب شرقی جزیره فرستاده شده بود ، شنیدم که میگفت : او (معلم) جیغ جیغ میمونها را نمیفهمد » . و نیز معلم دیگری از مرکز جزیره که در جنوب شرقی مستقر شده بود از تبعید خود شکایت داشت چون با زبان آن منطقه آشنائی نداشت . با توجه باینکه تغییرات لهجه‌ای در یک زبان واحد مثل زبان مالگاش خیلی ضعیف است شکایت معلم مذکور بهانه‌ای بیش برای فرار از کار در روستا نبوده (۲۱) .

تنها معلمین ماداگاسکار نیستند که از سکنی گریزند در دهات امتناع میورزند . تقریباً همه جا ، جوانان روشنفکر جهان سوم که بازگی از دانشگاه های ملی و یا خارجی فارغ التحصیل شده‌اند ، چنانچه شغل پیشنهادی خارج از شهرهای بزرگ غرب زده باشد آنرا نوعی بی‌لطفی نسبت بخود تلقی میکنند .

از جهتی « فرار از برابر ده » نماینگر این تمایل است که بعضی از تحصیلکرده ها نمیخواهند تنهیلات مادی را از دست بدهند و نیز نماینگر کوشش در حفظ شخصیت و اعتباری است که زندگی در محیط شهری با آنان می‌بخشد . اصولاً « فرار از ده » زائیده این ترس است که ننگد از مزایای تماس فرهنگی که فقط در شهرهای بسیار بزرگ امکان آن وجود دارد محروم شوند . و بالاخره منوط است به « فاصله » حقیقی دانشجویانی که تحت تاثیر ارزش‌های جامعه صنعتی یا جامعه سنتی قرار گرفته‌اند یا بطور خلاصه با محیط مردمی که اکثر خود اهل آنجا نیستند .

همانطور که « دووی‌بنو » ضمن تحقیقی با آن اشاره کرده است (این تحقیق با کمک جوانان محلی ، متخصص در جامعه شناسی ، که در پاریس ویا در تونس تحصیل کرده‌اند (۲۲) در دهگدهای در جنوب تونس انجام یافته است . » . بنظر میرسد که فاصله اجتماعی و فرهنگی بین دانشجویان قدیمی و ساکنین دهات « عقب مانده » بمیزان نزدیکی و وابستگی به اصل دهقانی بودن جوان روشنفکر خیلی بیشتر است .

در مورد دانشجویانی که تحصیلاتشان را در اروپا و یا آمریکای شمالی انجام داده‌اند ، باید اضافه کرد که میل آنان به اقامت در کشورهای پیشرفته تنها از عدم تطابق وسازش تدریجی با محیط اصلی و شرایط زندگی موجود ناشی نمیشود . ادامه نامعلوم اقامت دانشجویان در خارجه غالباً به علت مستحیل شدن و وابستگی کامل در جوامع اروپائی یا آمریکائی است . * * * * * چون گاهی این دانشجویان قسمت مهمی از زندگی خود را یعنی دوران

* * * * * این برداشت صحیح نیست . معدودی از روشنفکران جهان سوم چنین وضعی را دارند ولی نمیتوان موقعیت آنانرا در باره همگی تعمیم داد و نتیجه کلی گرفت .

بلوغ و جوانی را در این کشورها گذرانده‌اند .

این وابستگی در تمام سطوح دیده می‌شود . از عادات غذایی کاملاً غربی گرفته تا در زمینه تمایلات حرفه‌ای که عمیقاً در اثر تحصیلات و تماس با دانشجویان غرب تغییر یافته‌اند . از طرفی ازدواج با یک دختر اروپائی یا آمریکائی معمولاً به خواسته های خانوادگی تغییر شکل میدهد تا جائیکه به تصمیم و تمایل مراجعت بکشور اساساً پایان میدهد .

دلایل سیاسی

گرچه دلایلی که دانشجویان مقیم در خارج از کشور اصلی می‌آورند برای سرپوش گذاردن به انگیزه‌های دیگری است . معیناً علل سیاسی نیز نقش قابل ملاحظه‌ای در نگهداشتن منحصمین و روشنفکران جهان سوم در خارج از کشور ایفا میکنند . تحقیقی که بوسیله ندیان در میان دانشجویان آفریقائی در فرانسه انجام شده است

روشنگر این امر میباشد . چون با ۶۳ در صد از دانشجویانی که مصاحبه شده اظهار داشتند که با دولت متبوعه خویش در نزاع اند . نسبت مخالفین در بین اتباع سابق آفریقای فرانسه در منطقه استوائی و کامرون حتی به ۸۱٫۵ در صد میرسد . مخالفت این دانشجویان اساساً علیه طرز تفکر و اقدامات سیاسی حکومتیهای مربوط (این جواب ۴۵٫۶ در صد از دانشجویانی است که با حکومتشان مخالفند) . سبب نوبت به دلایلی میرسد که ارتباط با شخصیت رهبران دول آفریقائی دارند (عده مخالفان از این نظر ۳۵ در صد است) . بالاخره دلایلی که از سیاست رهبران آفریقائی نسبت به دانشجویان (۱۹٫۴ در صد) ناشی میشود .

طامغان سیاسی نیز در میان آسیائی ها ، بخصوص دانشجویان کره ، * * * * * و فرمز زیاد بشم میخورم ، بنا بر تحقیقی که بوسیله موسسه بین‌المللی تعلیم و تربیت در آکازولی انجام یافته است تقریباً تمام دانشجویان فرمزی که در دانشگاه های آمریکا تحصیل میکنند قصد مراجعت قوی به کشور خود را ندارند . دلایلی را که غالباً بعنوان پشتیبانی از این تصمیم می‌آورند این است که آنها در انتظار سقوط رژیم کومین-نانگ هستند (۲۳) .

در مورد دانشجویان برخی از کشورهای خاورمیانه و خاصه کشور های اطراف مدیترانه گاهی علاوه بر پیش‌بینی های سیاسی که مانع از رجعت آنها به کشور میشود مسئله دیگری نیز مزید بر علت میگردد و آن آلوده نشدن به فساد نظام موجود است که در بعضی از کشور های منطقه دیده میشود . پروفیسور

* * * * * در این مورد نزدیک تعدادی از دانشجویان کره را در آلمان و فرانسه در سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۷) که مخالف حکومتشان بودند ، باید یادآوری کرد .

کیتدل برژه شاید زیاد هم بی راه نگفته باشد وقتیکه اظهار میدارد که آینده این دانشجویان در بسیاری از مواقع بجز آینده یک کارمند کم و بیش فاسد یا مستخدم کمپانیهای نفتی و بایک انقلابی نمیتواند باشد .

موارد و اشکال مهاجرت مغزها در جهان سوم موارد اشکال مهاجرت در کادریهای برجسته در مناطق در حال توسعه با موارد مهاجرت علمی و روشنفکری کشور های صنعتی بطور حاسمی فرق دارد . این اختلافات اساساً بر سه مسئله دور میزند : اولاً تمایل همگانی دانشجویان جهان سوم به عزیمت یا مسکن گریزند در خارجه ثانیاً عدم مراجعت به وطن دانشجویانی که در اروپا ویا آمریکای شمالی تحصیل میکنند . ثالثاً کثرت مسیر های انتخاب شده از طریق مهاجرت علمی و روشنفکری کشورهای در حال توسعه .

بنظر میرسد که تقریباً تمام دانشجویان آسیائی آفریقائی و تا حدودی دانشجویان آمریکای لاتین ، مستقیماً با احتمال پیدا کردن شغلی در خارج احساس علاقه میکنند ، حال آنکه داوطلبان مهاجرت اقلیتی را تشکیل میدهند که اهمیت آن در اروپا منفر است .

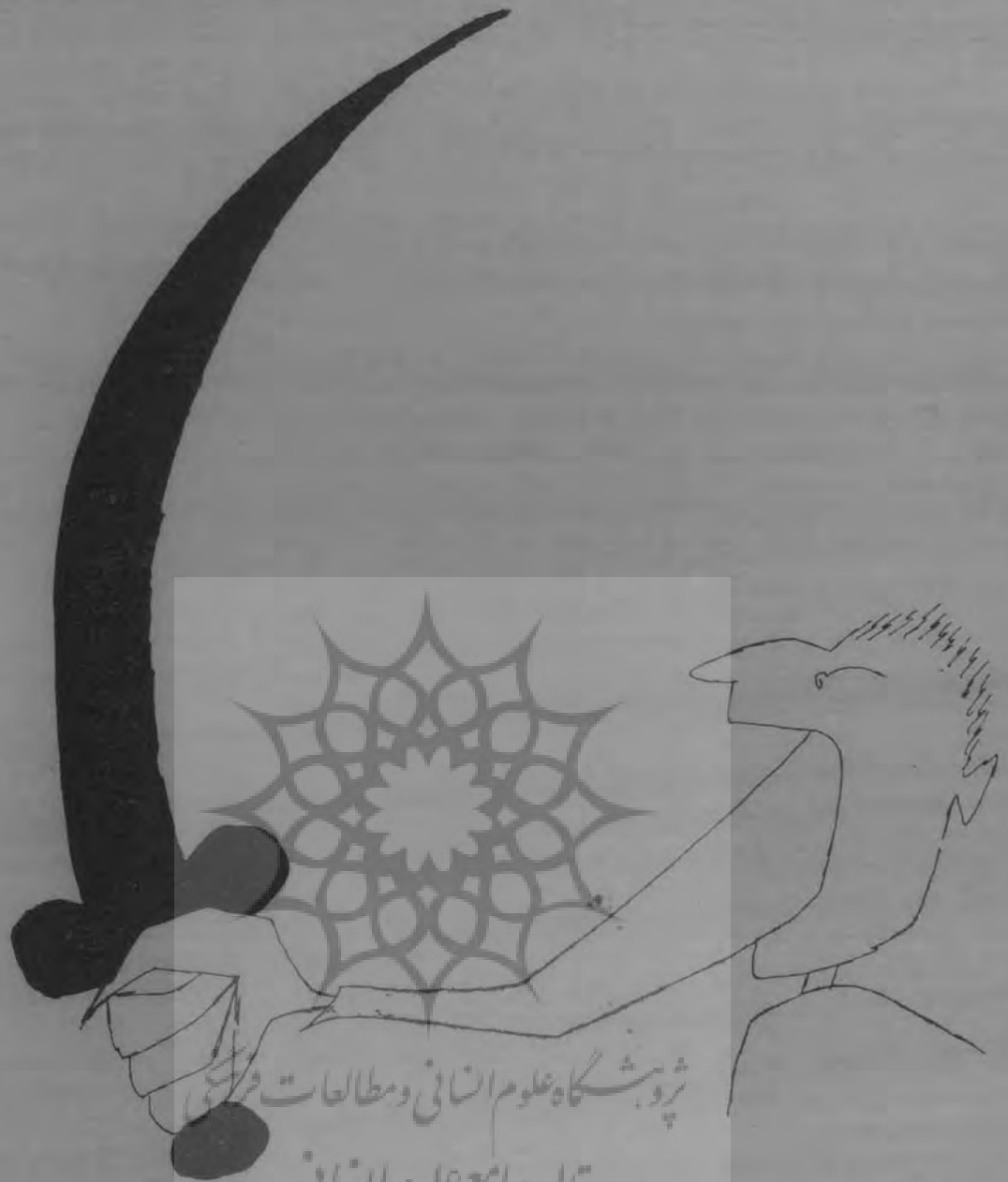
از یکطرف دیلمه های جوان جهان سوم در پایان تحصیلات با مشکلات مادی روبرو هستند که بهیچوجه بانوع مشکلات رفقای اروپائی و آمریکائی آنها قابل مقایسه نیست . این مشکلات مربوط به ناچیز بودن حقوق دریافتی آنهاست و نیز در اثر نبودن مشاغل مناسب در محل میباشد . این امر بخاطر نقصی است که بین تحصیلات دانشجویان و احتیاجات محلی وجود دارد .

از طرف دیگر بعات « فاصله فرهنگی » عظیمی است که میان اکثر دانشجویان آسیائی و آفریقائی ، بهویژه در مورد دانشجویانی که اقامت طولانی در خارجه داشته‌اند ، با فرهنگ ملتی کشور های متبوعه به چشم می‌خورد .

به عات نقایص اجتناب ناپذیر آعوزش عالی محلی و نیز بخاطر کنجکاوای روشنفکرانه دانشجویانی که مایل به کشف دنیای صنعتی هستند ، در کشورهای آسیا ، آمریکای لاتین و بخصوص در آفریقا استفاده از نوع تعلیم و تربیتی که در دانشگاههای اروپا یا آمریکا رایج است یک روش عمومی و حتی غالباً اجباری است .

بعکس در کشور های پیشرفته از نظر صنعتی تحصیلات در خارج استثنائی است . چون فقط مورد توجه دانشجویان پیشرفته‌ای است که میخواهند تخصص دقیقی را در رشته مربوط کب نمایند ویا اینکه تجربه دانشگاهی خود را غنی سازند .

از این قرار جوانان دیلمه در کشورهای در حال توسعه تنها ذخیره بالقوه مهاجرین را که خیلی وسیع‌تر از ذخیره موجود در اروپا است ، تشکیل نمیدهند ، در اروپا امکانات شغلی بی‌نهایت زیاداند و مشکلات انطباق خیلی محدودتر . در حال حاضر کشورهای صنعتی بخاطر احتیاج مبرمی که



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نمی‌توانند مشغول بکار شوند . مثلا در آلمان از مجموعه ۱۵۰۰۰ دانشجوی آفریقائی و آسیائی که در ۱۹۶۳ میلادی (۱۳۴۳ هـ) در دانشگاههای مختلف به تحصیل اشتغال داشته‌اند ، نسبت شکست در امتحانات به ۸۰ در صد میرسد (۳۵) . پس از يك شکست قطعی مراجعت بوطن برای دانشجویان مزبور دیگر تحمل ناپذیر میشود .

بعضی از دانشجویان برای همیشه در اروپا و یا آمریکای شمالی رحل اقامت می‌افکنند مثل این دانشجوی چینی اهل فرمز که طی یکسال و نیم در محل ناقوس کلیسای دانشگاه می‌شیگان سکنی گزید و ترجیح داد بدون دیپلم به میهن خود باز نگردد

نوع مهاجرت علمی و فکری کشورهای جهان سوم از نوع مهاجرت مغزهای اروپائی و کانادائی

دانشجویان لبنانی و یا دانشجویان ویتنامی در فرانسه صدق نیز میکند (۴۴) . وانگهی باید به تعداد متخصصینی که در اروپا و آمریکای شمالی استخدام میشوند گروه کثیر دیگری را اضافه کرد این دسته به راه حل میانگین دست می‌آزند . یعنی با کارکردن در يك سازمان بین‌المللی در نیویورک ، پاریس ، ژنوورم ... بعضی از این کارمندان بین‌المللی به تدریج بصورت مهاجر در می‌آیند و غالبا قادر نیستند نظریات ملی کشور خویش را که دیگر به آن بیگانه شده‌اند بدرستی بیان کنند . درست است که بسیاری از دانشجویان جهان سوم اقامتشان را در کشورهای خارج طولانی می‌سازند ولی این امر بعثت شکستهای پی در پی تحصیلی است نه بخاطر عرضه شغلی . چون مادامی که امتحانات را با موفقیت بانجام نرسانیده باشند

به متخصصین دارند عده کثیری از این دانشجویان را استخدام میکنند . بعلاوه دانشجویان مذکور در برابر تقاضای مستقیم و غیر مستقیمی قرار گرفته‌اند که قابل مقایسه با وضع رفقای اروپائی آنها نیست .

این تقاضاها بی نتیجه نیستند . مطابق بررسی موسسه بین‌المللی تعلیم و تربیت در آمریکا ۱۱۰۰۰ نفر از ۹۰۰۰۰ دانشجوی خارجی حاضر در دانشگاهها میل دارند پس از کسب دیپلم در آمریکا باقی بمانند .

برطبق مآخذ دیگر ۵۰ در صد از متخصصین علمی ایرانی ، پاکستانی و ترک که خارج از کشور خود تحصیل کرده‌اند بهیچ عنوان برای کارکردن به موطن خویش مراجعت نمیکنند . این وضع در مورد

متناظر است. متخصصین اروپایی در مرحله اول به اتازونی و سپس به کانادا میروند بعکس متخصصین کشورهای در حال توسعه به اتازونی و اروپا و حتی به سایر کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین که غنی تر از کشور خودشان هستند و بهترین امکانات شغلی را در اختیارشان میگذارند، مهاجرت میکنند، لبنان، کویت، عربستان و ونزوئلا و ساحل عاج، مانند اتازونی، کانادا، بریتانیا و فرانسه، جذب و کشش خاصی بر روی کارهای متخصص و برجسته کشور های در حال توسعه مجاور میگذارند.

اختلافی بین کشور های توسعه یافته و جهان سوم در زمینه آزادی رفت و آمد کادرهای متخصص بی نهایت کم است. حکومت های آمریکای لاتین، آسیایی و آفریقایی مانند دول اروپا، باید به اصول آزادیخواهی عیبنازند***** البته غائب اوقات، در زمینه های دیگر باین اصول معترضند و عموماً با گتین اظهار تاسفی درباره فرار مغزها اکتفا میکنند. بدون آنکه تصمیمات موثری که واقعا بتوانند مانع از عزیمت یا طولانی شدن اقامت متخصصین خود در خارج کرده، اتخاذ نمایند. دست بالا حکومت های مذکور تصمیمات محدودی در خصوص بورسهای تحصیلی دانشجویانیکه منافع و احتیاجات ملی را مورد توجه قرار نمیدهند، میگیرند. تا به امروز کشور های نادری مثل مالی یا کنگو کینشاسا (زائیر) پیدا شده اند که باروشی خشونت آمیز از مهاجرت و یا تمرکز جوانان دینیه آموزش عالی، در شهر های بزرگ جلوگیری میکنند، (۲۶). تجربه ای که بتازگی بوسیله یکی از سازمان های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد انجام یافته است نشان میدهد که بسیاری از حکومت های جهان سوم بامر مهاجرت مغزها زیاد ترتیب اثر نمیدهند و به ویژه آماری را که باین پدیده اشاره کند در اختیار ندارند.

وضع هندوستان

با در نظر گرفتن مراتب بالا غیر ممکن است صورت آمار شمومی و مقایسه ای از مهاجرت متخصصین برجسته این منطقه از دنیا تهیه کرد. تنها معلومات دقیق موجود آماری هستند که توسط اداره مهاجرت آمریکا در صفحات قبل بآن رجوع کردیم، منتشر شده است. بنظر میرسد که این آمار تقریباً نصف تعداد کل از مهاجرت مغزها در دنیا را در بر میگیرد. این آمار اهمیت تعداد مهاجرین آسیایی، آنتیلی و آمریکای جنوبی را در میان کشورهای عقب نگهداشته شده نشان میدهد. در واقع، مهاجرین علمی و روشنفکری سه منطقه مذکور، حدود ۹۰ درصد از تعداد کل متخصصین برجسته جهان سوم را که بطور دائم بین سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۶ میلادی (۱۳۴۱ و ۱۳۴۵ هـ) در

***** البته این نظر آقای گی هر مه نویسنده مقاله است. شواهد عینی در هر يك از سه قاره مذکور عکس آنرا ثابت میکند (۲).

آمریکا پذیرفته شده اند شامل میشود (۲۷). در انگلستان نیز هندوها، پاکستانیها و آنتیلی های انگلیسی را، باستانی سایر ملیتها تشکیل میدهند. برجسته را، باستانی سایر ملیتها تشکیل میدهند. در مقابل چنانچه به آمار قطعی رجوع کنیم، بجز در مورد استثنائی مهاجرت به فرانسه، آفریقایی ها به کشورهای دیگر مهاجرت میکنند. با در نظر گرفتن این واقعیت و بعلاوه نقض اطلاعاتی که احتمالاً میتوانست از نظر مقایسه ای کشورهای بیشتری را مورد مطالعه قرار دهد، مهاجرت مغزها را در جهان سوم ازخواب کردیم تا بطور دقیق وعینی نمونه هایی از دو کشور آسیایی و آمریکای لاتین را نشان دهیم. چون برای هر يك از دو کشور مزبور تاحیویتی اسناد و مدارک موجود است، این دو کشور عبارتند از:

هندوستان و آرژانتین

هند یکی از پر معنی ترین و مهم ترین آنها از جهت تعداد نفرات در آسیا میباشد گرچه عزیمت به انگلستان قبل از جنگ جهانی هم رواج داشته است، لکن مهاجرت اکثریت دانشمندان، پزشکان و تکنیسین های هندی به سال های ۱۹۶۰ م (۱۳۴۳ هـ) می رسد بعلاوه از آغاز سال ۱۹۶۳ م (۱۳۴۳ هـ) این جنبش آشکارا وسعت یافته است. اساساً مهاجرت بین سال های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۲ م (۱۳۳۷ و ۱۳۴۶ هـ) کار متخصصین علمی واجد صلاحیتی بوده است که کشور خود را بخاطر تحصیل حقوق و موایای بیشتر و امکات جانبی ترک کرده اند. از آن به بعد عده بسیار زیادی از مهندسين، پزشکان و تکنیسین ها که شغلی در هندوستان پیدا نمیکردند بگروه متخصصین علمی ملحق شدند. مطابق نتایج بررسی های منتشره بوسیله دفتر ملی هند در مورد کارمندان علمی و فنی تعداد دانشجویان و دیپلمه های آموزش عالی که در خارج اقامت دارند از ۱۰۰۰۰۰ نفر در ۱۹۶۰ م (۱۳۳۹ هـ) به ۲۰۰۰۰۰ نفر در ابتدای سال ۱۹۶۷ م (۱۳۴۶ هـ) رسیده است (۲۸) این

افزایش بخصوص از ازدیاد عزیمت متخصصین به انگلستان ناشی میگردد و ولی فریب دو سال است که سهم ایالات متحده آمریکا در جذب متخصصین هندی از سهم انگلستان تجاوز میکند. در اثر اجرای قانون جدید مهاجرت به آمریکا که در ۱۹۶۵ م (۱۳۴۴ هـ) مقدار سهمیه را لغو کرد، تعداد مهاجرین علمی از هند به آمریکا هر ساله ۲۰ برابر افزایش یافته است. در واقع تعداد پزشکان، متخصصین علمی و تکنیسین های هندی که مجاز بوده اند بطور دائم در ایالات متحده آمریکا کار کنند از ۵۴ نفر در ۱۹۶۵ م (۱۳۴۴ هـ) به ۱۱۶۴ نفر در ۱۹۶۶ م (۱۳۴۵ هـ) رسیده است. از مجموع ۱۱۶۸ مهاجر تقریباً ۱۰۰۰ نفر تحصیلاتی را در دانشگاه های آمریکا انجام داده اند. لذا نمیتوان آنها را بعنوان دانشجویانی بحساب آورد که دیگر به کشور خود مراجعت نمیکند. بنا به گفته اداره مهاجرت آمریکا، بدین طریق، در صد نمایشگر کارمندان برجسته علمی هندی و

پاکستانی از ۳۴ در صد از کل مهاجرت مربوط به پزشکی، علمی و فنی در ایالات متحده آمریکا در ۱۹۵۶ به ۴۱ در صد در ۱۹۶۵ و به ۴۱٫۳ در صد در ۱۹۶۶ رسیده است (۲۹).

انگیزه های این مهاجرت گفته شد ولی باید تسلیم آشکار حکومت دهلی نورانیز خاطر نشان کنیم. به گفته يك فیزیک دان جوان هندی که به کشور، مراجعت کرده است در پارلمان در ادارات و در میان «نجبان» همگی معترفند که بخاطر شرایط مادی موجود در کشور متخصصین علمی خود را محروم احساس میکنند. لذا موقعیکه با استعداد ترین آنها اقامت در خارجه را انتخاب میکنند عمل آنها اقدامی «قابل درك» است.

تجلیل از «انتر ناسیونالیسم» پژوهش در قرن فضا یکی از رفتارهای بسیار معمولی در میان قشر روشنفکر میباشد. این قشر می خواهد به بی کفایتی ملی در برخورد عینی مسئله جنبه عقلانی بدهد. چه کسی جرأت دارد اعتراف کند که مهاجرت مغزها بطور ساده فراری است از برابر فداکاری و از خودگذشتگی های بسیار دشوار که ساختمان يك ملت بدان احتیاج دارد. «همین جوان هندی در چند سطر بعد تا بانجا میرود که «از خود سؤال میکند آیا تعلیم و تربیت رایج در دانشگاه های هندوستان، به ویژه در دانشکده های علوم و تکنولوژی باین محدود نشده است که فقط مقداری دانش و اطلاعات را در مغز دانشجویان وارد کند بدون آنکه دقیقاً به رفتار و روش آنها که برای ساختمان و آینده يك ملت ضروری است اهمیت قائل شود و بدان توجه نماید. آیا آموزش عالی ما باید جوانان هندی را در چارچوب اجتماعی و مادی، در محیط فرهنگی خود آنها، علیرغم تخصص شان، داخل کند تا احساس هبستگی نمایند، یا آنکه آنها را با خود بیگانه بسازد».

اتهامات فوق بیشتر متوجه موسسات دانشگاهی و مسئولان مربوط است تا دانشجویان هندی، در حال حاضر شاید این اتهامات زیاد هم وارد نباشد. فریب چند سال است که آسوشیالی در زمینه مراجعت متخصصینی که در خارجه اقامت دارند انجام یافته است و غالباً توام با موفقیت بوده است. هیات حاکمه سعی میکند با تشکیل صدوق کمک به دانشمندان حقوقیهای مناسبی را به داوطلبان احتمالی مراجعت به کشور پیشنهاد کند از طرفی تعداد مراجعت کنندگان نسبت بشاغل موجود بیشتر است. از ۱۰۰۰۰۰ جواب مثبتی که تا ۱۹۶۶ میلادی به ثبت رسیده است فقط ۳۴۰۰ نفر آن مشغول بکار شدند. (۳۰)

بعضی از دانشگاه های هندوستان بنوبه خود تبلیغاتی را از این نوع برای انداخته اند بدون آنکه قادر باشند به کلیه تقاضاها ترتیب اثر دهند. ۵۰ درصد از دانشجویانی که با آنها تماس برقرار

شده است جواب مساعد داده اند . بعثت فقدان مشاغل کافی ، تنها ۳۵ درصد استخدام شده اند (۳۱) .
وضع آرژانتین

سطح اقتصادی آرژانتین در مقام مقایسه با فقر شدیدی که در هندوستان حکمفرماست ، نزدیک به سطح اقتصادی یک کشور غنی است . وانگهی آرژانتین از نظر ترکیب جمعیت و فرهنگ یک کشور غربی است و در همان قاره ای است که آمریکا یعنی مکنده اساسی مغزها واقع شده است .

بطور کلی موقعیت و امکانات انطباق مهاجرین برجسته آرژانتینی با نوع امکانات و موقعیت همکاران اروپائی آنها یکسان است . معذک این امکانات در زمینه مشاغل موجود در محل متفاوتند چون به علت نارسائی توسعه اقتصادی محدود باقی مانده اند . در آرژانتین مثل سایر کشورهای آمریکای لاتین و اروپای مدیترانه ای تعمیم و توسعه تعلیم و تربیت مقدم بر توسعه صنعتی است . بالطبع در کشورهای فوق مشاغل موجود بین دیپلمه هائی که هر ساله از دانشگاهها فارغ التحصیل میشوند مورد جدال است . این دیپلمه ها غالباً مجبورند بین عزیمت به خارج و یا شغلی با حقوق ناچیز در بخش خدمات کشور خود یکی را انتخاب کنند . چون بخش خدمات را ساده تر میتوان گسترش داد تا بخش صنعتی که فعلاً با مشکلات زیادی مواجه است « و گسترش بخش خدمات نیز به نوبه خود تا حدودی معقول و مقبول است و گر نه تالی فاسدی در برخواهد داشت » . گرچه نمونه های مقایسه ای در سایر مناطق آمریکای لاتین میتوان پیدا کرد ، ولی وضع آرژانتین بعثت پیشرفت این کشور در قلمرو دانشگاهی و نیز اهمیت تعداد دیپلمه های آموزش عالی آن ، جالب بنظر میرسد . همراه فورتوریکو (۲۴) و کوبا * * * * * آرژانتین جزو مهمترین تهیه کنندگان کشورهای آمریکای لاتین در زمینه مهاجرت متخصصین برجسته میباشد . با آنکه مهاجرت مغزها در کشور نامبرده تا حدودی ناشی از علل خاصی است . مثلاً در مورد پورتوریکو روابط ویژه این کشور با ایالات متحده آمریکا و در مورد کوبا علل سیاسی مطرح است ، لکن نمونه آرژانتین تصویر « عمومی » از تحول و تغییری است که خطر توسعه آن در آینده نزدیک در کشورهای همسایه پیش بینی میشود .

گرچه آرژانتین هنوز هم جزو مراکز بزرگ مهاجرت جهانی قرار گرفته است ، این کشور خود صحنه مهاجرت انبوه کثیری از متخصصین علمی میباشد . همانطور که جدول ضمیمه نشان میدهد ، تعداد صاحبان مشاغل آزاد تکنیسین ها و « مدیران برجسته » که به اتازونی مهاجرت کرده اند از ۱۱۹ نفر در ۵۱ - ۱۹۵۰ م (۳۰ - ۱۳۳۹) به

رژیم جدید کوبا پوسیله فیدل کاسترو .

۴۷۸ نفر در ۱۹۵۰-۱۹۵۶ م (۳۵ - ۱۳۳۴) و به ۱۴۵۹ نفر در ۱۹۶۳ - ۶۴ م (۴۳ - ۱۳۴۳) رسیده است . بدین طریق جمعا ۸۴۴۵ متخصص بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۴ میلادی به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده اند (۳۳) . از طرف دیگر ونزوئلا و برزیل تعدادی از متخصصین علمی و روشنفکران آرژانتین را در خود پذیرفته اند . در میان مهاجرین فوق مهندسین ، معلمین و پزشکان بیشتر از همه هستند . در طی این دوره از هریک از گروههای مذکور قریب هزار نفر مهاجرت کرده اند . اضافه بر تعداد دیپلمه هائی که از طریق دانشگاه های آرژانتین صادر میشود ، نسبت این مهاجرین در آنچه که مربوط به مهندسین میشود ۵ درصد مجموع دیپلمه ها و در مورد پزشکان ۴۵ درصد و در مورد متخصصین حسابداری ۴ درصد میشود . فقدان مشاغل محلی تنها عامل اساسی این مهاجرت نیست . درست است که تعداد متخصصین کلیه گروهها سریعتر از احتیاجات ملی افزایش یافته است . مثلاً تعداد پزشکان برای هر ۱۰۰۰۰ نفر از ۴٫۴ در ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۱۴ ه) به ۳٫۵ در ۱۹۶۰ م (۱۳۳۹ ه) رسیده است . در طی همین مدت تعداد وکلای دادگستری از ۳٫۵ به ۸٫۶ برای هر ۱۰۰۰۰ میرسد . همانطور که جدول ذیل نشان میدهد ، تعداد سایر متخصصین به نسبتهای بیشتری افزایش پیدا کرده است .

جدول شماره یک

تعداد متخصصین حرفه های مختلف ، برای ۱۰۰۰۰ نفر در ۱۹۴۵ و ۱۹۶۰ میلادی .

حرفه	۱۹۴۵ م ۱۳۰۴ ه	۱۹۶۰ م ۱۳۳۹ ه
پزشکان	۴/۴	۱۳/۵
وکلای دادگستری	۳/۵	۸/۶
حسابداران	۰/۶	۴/۳
مهندسین	۱/۷	۷/۳
مهندسین کشاورزی	۰/۳	۱/۵
معماران	۰/۳	۱/۵

این واقعیتی است که شرایط مادی بهتر در اتازونی ونزوئلا و گاهی برزیل در تشویق امر عزیمت موثر است . مثلاً حقوق متوسط سالانه یک مهندس به ۳۹۰۰ دلار در آرژانتین و ۵۰۰۰ دلار در آمریکا است . در مورد پزشکان این اختلاف خیلی بیشتر میباشد . درآمد ماهانه آنها گاهی اوقات از ۱۰۰ دلار تجاوز تمیکند . علاوه بر دلایل مالی ، مدرن نبودن سازمان موسسات صنعتی و اداری آرژانتین را به توسعه نارضائی جوانان باید اضافه کرد . این نارضائی بخصوص ناشی از حفظ موقعیت و تسلطی است که افراد قدیمی در مراتب و مقامات

صندل فیگارو



برای آقایان و جوانان و بچه ها

قیمت ۱۶۰-۱۸۰-۲۰۰

۲۲۰-۲۵۰-۲۷۰ ریال

در تمام فروشگاههای کفش پی

کفش پی

خدمت نخست ایران



MELLI SHOE

1963, P. 444.

26- Le monde, 7 mars 1968, P. 4.

27- The brain drain into the United States of scientists engineers, Washington D.C., U.S. Government printing office, 1967, tab. I-V.

28- Parthassarati(A). "Pourquoi suis-je retourné au pays?", Revue F.A.O.I(1), jan-fev. 1968, P. 51.

29- House of representatives, the brain drain into the United States of scientists, engineers and physiciens, Washington D.C., U.S. Government printing office, 1967, P. 7.

30- Bhabha(H.J.), "Indian science: two methods of development", PP. 10-11, in Development of Indian science, Calcutta, Institute of Political and Social Science, 1966.

31- Kannapan(S.), "l'exode des compétences et les pays en voie de developpment", Revue internationale du travail, 98(1), Juillet 1968, P. 26.

32- Harbison(F.H.), Myers(C. A.) ed; Manpower and Education, New York., Mac Graw-Hill, 1965.

33- Oteiza(E.), "L'émigration des ingenieurs argentins: un cas latino-americain d'exode des compétences", Revue Internationale du travail, 92(6), dec. 1965, P. 492.

11- Naraghi(E), "Le Tiers Monde se vide", Jeune Afrique 356, 5 nov. 1967, P. 29-1.

12- Kowadapi(C), Indians Overseas, 1839-1949, New Delhi, Indian Council of World Affairs, 1949, P. 360.

13- Kindleberger(C.R), "Etudes à l'étranger et emigration", PP. 172-173 in l'exode des cerveaux..., OP.cit.

14- Dedijer(S.), "Migration of scientists: a world-wide phenomenon and problem", Nature 201, 7 mars 1964, P. 965.

15- Dandekar(V.M.), "Le cas indien", PP. 234-236, 237-238 in L'exode des cerveaux, OP.cit.

16- "The brain drain", foreign aid for U.S., U.S. News and World Report, 22 mai 1967, P. 81.

17- (Charle(B), "Cadres politiques et administratifs dans la construction nationale en Guinée", Revue de l'institut de sociologie 2-3, 1967, PP. 350-361.

18- Bonzon(S.), "Modernisation et conflits tribaux en Afrique Noire", Revue française de science politique, 17(£), oct. 1967, PP. 873 et 878.

19- S.E., "Les Dahoméens en Afrique de l'Ouest", Revue française de science politique 17(£), aout 1967, P. 720.

20- N'Diaye(J.P), Enquête sur les étudiants noirs en France, Paris, Edition "Realités Africaines", 1962, P. 231.

21- Raublee(J.), "Parler maternel, langue vernaculaire, langues de communication et de civilisation", Revue de l'Institut de sociologie 2-3, 1967, P. 426.

22- Duvignaud(J.), Chebika, Paris, Gellimard, 1968, PP. 203-204.

23- Murcier(A), "Cerveaux à vendre. III", Le Monde, 26 aout 1967, P. 7.

24- Henderson(G.), "Foreign students exchange or immigration", International Development Review, Dec. 1964, P. 444.

25- Aich(P.), "Asian and African students in West Germany Universities", Minerva 1(4), etc

اداری برای خود قائلند. در آرژانتین، بطن قوی، مهندسی که مشاغل غیر آزاد را انتخاب میکنند. بوسیله اشخاصی مدیریت میشوند که از نظر معلومات و آموزش پائین تر از آنها هستند. این وضع در کشورهای دیگر نیز مشاهده میشود و بنظر میآید که به ویژه در کشورهاییکه بنانه گی صنعتی شده اند توسعه بیشتری پیدا کرده است. چون در این کشورها نسل « بنیان گذاران » هنوز در جای خود باقی است.

فهرست منابع

در ذیل مآخذی را که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است میآوریم تا علاقمندان و پژوهندگانی که در صدد کسب اطلاعات جامع تری در مورد « مهاجرت مغزها » یعنی یکی از مهمترین مشکلات کشورهای عقب نگهداشته شده هستند، بتوانند با کوشش بی گیر در تحقیق علمی خود در رفع این معضل راه حل عینی و عاقلانه ای را عرضه کنند.

حواشی:

1- Naraghi (E), "L'exode des compétence", Politique étrangère 32(3), PP. 269-279.

2- L'exode des cerveaux, Lausanne, centre de recherches européennes, 1968, 310 p.

3- Renseignement sur l'exode de personnel qualifié et spécialisé, New Yourk, Unitar, 7-11-1967, non paginé.

4- Voir, par exemple: The brain drain into the United States of scientists Engineers and Physiciens, Washington D.C., U.S. Government printing office, table 1.

5- Granberg(A), En studie Av Migrationen Av vetenskapsman Under Antichen, Lund, Research Policy program, 1967, 9 P.

6- Armytage (W.H.G.), The rise of the technocrats, London, 1965, pp. 145-161.

7- Bentwich(N.), The rescue and achievement of refugee scholars, The Hague, Martinus Nijhoff, 1953, p. 1.

8- Climent(J.B), "España en el exilio", cuadernos americanos 126(1), Jan-Fev. 1963, PP. 98-102.

9- Palacio(L.), "400.000 juifs d'Afrique du Nord en Israël", Le Monde, 13 avr, 1968, p. 6.

10- Le rôle des élites dans la construction nationale en Afrique noire, Paris, C.H.E. A.M., 1967, P. 62.